

مستدرکی بر نهج البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاغه - محمد جعفر اسلامی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۸ - ۱۵۷

### مستدرکی بر نهج البلاغه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاغه

محمد جعفر اسلامی\*

**چکیده:** از آنجا که نهج البلاغه در بردارنده بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام است، عالمان، محدثان و ادباء بسیاری پس از تألیف این کتاب، شروع به نوشتن شرح، حاشیه و استدراک بر این کتاب گران‌سنگ کردند. از جمله این مستدرکها می‌توان به مستدرک احمدبن ناقه (م ۵۵۹ ق) اشاره کرد که داشتن خطبه‌هایی مانند: الدرّة الیتیمه، الأقالیم، البیان، از ویژگیهای این مستدرک است. یادآوری می‌شود که این خطبه‌ها در هیچ یک از مصادر روایی موجود به طبع نرسیده است.

**کلیدواژه‌ها:** نهج البلاغه / مستدرک نهج البلاغه / احمدبن ناقه.

## مقدمه

از آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام فصیح‌ترین خطیبان است و به گفته ابن عباس: «کلام علی پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (ابوالبرکات شافعی، ج ۱، ص ۲۹۸)، در طول تاریخ، عالمان، محدثان و ادیبان بسیاری به جمع کلمات و خطبه‌های ایشان اقدام کرده‌اند. نخستین کسانی که به این کار دست زدند، اصحاب خود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات ایشان بوده‌اند؛ مانند حارث اعور همدانی (کلینی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ طوسی، ص ۱۸۱)، زید بن وهب جهنی (طوسی، ص ۱۳۰؛ معالم العلماء، ص ۸۶؛ نقرشی، ج ۲، ص ۲۹۱)، اصبع بن نباته و مالک اشتر نخعی و ... .

جمع‌آوری کلمات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از شهادت ایشان نیز ادامه پیدا کرد و بسیاری از محدثان عامه و خاصه به این امر اهتمام ورزیدند. از محدثان شیعه می‌توان به ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ ق) (نجاشی ص ۴۳۴؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، مجله تراننا، شماره پنجم، ص ۲۲۶) مسعدة بن صدقة (همو، ص ۴۱۵)، سید ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی (نجاشی، ص ۲۴۸؛ علامه حلی، ص ۲۲۶)، اسماعیل بن مهران (نجاشی، ص ۲۷) و صالح بن ابی حماد (همو، ص ۱۹۸) اشاره نمود، و از محدثین عامه می‌توان به محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق) (آقابزرگ طهرانی، ج ۷، ص ۱۹۱)، علی بن محمد مدائنی (م ۲۲۵ ق) (ابن ندیم، فهرست، ص ۱۱۴) اشاره کرد. همچنین عالمان، محدثان و ادباء بسیار دیگری به این امر اقدام نموده‌اند که متأسفانه بیشتر این کتابها در پی آتش‌سوزی کتاب‌خانه‌ها، جنگها و تعصبات مذهبی از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

تا اینکه در پایان قرن چهارم، عالم و ادیب فرزانه، سید شریف رضی، ظهور کرد و احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام به انتخاب خود تألیف نمود و آن را نهج‌البلاغه نامید. از این جهت که نهج‌البلاغه در بردارنده خطبه‌هایی در غایت فصاحت و بلاغت است، نقطه عطفی برای نوشتن شرح و تفسیر کلام امیرالمؤمنین و نوشتن ملحقات، تزییلات و مستدرکات بر این کتاب شد.



قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان بن داوود الاسفراینی (م ۴۸۸ ق) بر نهج البلاغه تزییلی به نام «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام علی بن ابی طالب علیه السلام» نوشت که در آن بعضی از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام را که در نهج البلاغه نیامده، گرد آورد. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ آقابزرگ، ج ۱۶، ص ۳۹؛ سید محسن امین، ج ۸، ص ۱۳۳) خلف بن عبدالمطلب بن محمد، ملقب به مهدی بن فلاح المشعشی الحویزی نیز مستدرکی دیگر به نام «النهج القویم فی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام» تألیف کرد و در آن، بعضی از روایات امیرالمؤمنین علیه السلام را که در نهج البلاغه نیامده، نقل کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۳) علم الهدی فرزندی فیض کاشانی نیز کتابی با نام «معادن الحکمة فی مکاتیب اهل البیت علیهم السلام» نوشت. او نیز در کتاب خود برخی از کلمات و توفیعاتی که در نهج البلاغه نقل شده، روایت کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۱، ص ۱۷۷)

از دیگر کسانی که در این عرصه گام نهاده، عالم و محدث ادیب احمد بن ناقه است. وی در میان روایات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌هایی را انتخاب نموده که در نهج البلاغه نیامده است. همین طور در ادامه، برخی از وصیتهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام، برخی از اخبار در فضائل اهل بیت علیهم السلام و برخی از ادعیه و حرزها را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. در اینجا نظری به شخصیت احمد بن ناقه می‌اندازیم.

#### ابو العباس احمد بن ناقه المسلی الكوفی

سمعانی در الأنساب، انتساب احمد بن ناقه را به مُسلی چنین شرح می‌دهد: مسلی به ضمّ میم و سکون سین و در آخر لام، به مُسلیة بن عمرو بن عمرو بن علة بن جلد بن مالک بن ادد می‌باشد و مالک همان مذحج است. بسیاری از علماء به این قبیله منسوب‌اند. مُسلیة در کوفه واقع است که به همین سبب، بنی مسلیه به کوفی منسوب شدند.

و جماعتی به این محله نسبت داده شده‌اند که از این قبیله نبودند؛ از ایشان احمد بن یحیی بن الناقه المسلی است که در این محله سکنی گزیده بوده است. اسم احمد بن الناقه المسلی در الوافی بالوفیات به اشتباه، ابن الناقه المسیکی آمده است.

(صفدی، ج ۸ ص ۱۵۰) گویا حاجی خلیفه در کشف الظنون از صفدی پیروی نموده و به اشتباه المسیکی آورده است. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷۰) سیوطی نیز در بغیة الوعاة المسیکی آورده است. گویا عمر کحاله نیز در معجم المؤلفین از سیوطی تبعیت نموده است.

احمد بن ناقه در سال ۴۷۷ به دنیا آمد. وی در طول حیات علمی خود پس از استفاده از بزرگان علم در کوفه، به بغداد - که در آن زمان مرکز علم بوده است - مهاجرت کرد و در آنجا از بزرگان بغداد استفاده نمود. سپس به کوفه مراجعت کرد و در سال ۵۵۹ ق درگذشت. همه شرح حال نگاران سال درگذشت وی را همین سال گزارش کرده‌اند (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ صفدی، ج ۸ ص ۱۵۰؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷)؛ اما ذهبی در سیر اعلام النبلاء سال درگذشت وی را ۵۵۷ ق می‌داند. وی در شرح حال ابن کروس چنین گفته است: «ابن کروس در صفر سال ۵۵۷ ق درگذشت. و در همین سال، ابوالعباس احمد بن ناقه کوفی محدث از دنیا رفت.» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۹۲-۳۹۳) همو در کتاب تاریخ الاسلام روز وفاتش را عید فطر و مکان وفاتش را کوفه می‌نویسد.

#### جایگاه احمد بن ناقه در میان علماء

ابوالعباس احمد بن ناقه در کتابهای تراجم و رجال، به علم و فضیلت شناخته شده است. ابن اثیر جزری پیرامون وی چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه صاحب فضیلت و شاعر بود. وی حدیثهای فراوانی شنید و در همین موضوع کتابی تألیف نمود.» (عزالدین ابن الاثیر جزری، ج ۳، ص ۲۱۲) یاقوت حموی نیز در معجم البلدان چنین کلامی را در وصف احمد بن ناقه می‌گوید. (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۲۹)

سمعانی که خود شاگرد احمد بن ناقه بوده در وصف وی چنین می‌گوید: «استاد ما استادی فاضل، شاعر و مانوس با حدیث بود. وی احادیث فراوانی شنید و کتابی در این زمینه تألیف نمود که آن را الأمثال نامیده.» (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

عمادالدین کاتب صاحب خريدة القصر و جريدة العصر در توصیفات احمد بن ناقه پس

از نقل شعری از وی به نقل از سمعانی، چنین می‌گوید: «برای او شعری است که از تاریخ سمعانی خواندم... او سرشناس بزرگان، علامه روزگار، و تیزهوش تیزهوشان است و ما از شنیدن اشعار وی لذت می‌بریم.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) همو درباره علم و آگاهی احمد بن ناچه به حدیث چنین می‌گوید: «وی از اصحاب عالی حدیث از اهل کوفه بود.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴)

صفدی در الوافی بالوفیات وی را چنین می‌ستاید: «احمد بن ناچه راستگو و دارای طریقه‌ای نیکو بود.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

ابوبکر محمد بن عبدالغنی البغدادی الحنبلی، معروف به ابن نقطه، در کتاب خود به نام تکملة الإكمال پس از ذکر مشایخ احمد بن ناچه، وی را توثیق می‌کند و محدثی ثقه و مورد اطمینانش می‌خواند «ابن ناچه ثقه و مورد اطمینان بود. حدیث زیادی نوشت و جمع کرد و روایت نمود. گروهی در بغداد و کوفه از وی روایت نقل کرده‌اند.» (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)

ابو احمد بن محمد در معجم السفر شنیدن و سماع حدیث وی را چنین می‌ستاید: «ابن نه سنّ زیادی داشت و در کوفه به سلوک در راه نیکو مشهور بود. وی حدیث را درست می‌شنید و حفظ می‌کرد.» (ابوطاهر السلفی، ج ۱، ص ۴۴۷)

### احمد بن ناچه در شعر و ادبیات

همان‌طور که گذشت، احمد بن ناچه در علم حدیث مقام والایی داشت؛ اما شخصیت وی در همین زمینه خلاصه نمی‌شود. بنابر گزارش شرح حال نویسان، وی در شعر و ادبیات عرب نیز چیره دست بود. الضوء اللامع (ابوالخیر سخاوی، ج ۱، ص ۶۶) خریدة القصر و جريدة العصر (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) و الوافی بالوفیات (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده‌اند.

احمد بن ناچه به نحو عربی عالم بود. وی نحو را در کوفه فراگرفت و در همین زمینه کتابهایی را تصنیف نمود. صفدی در این رابطه چنین می‌گوید: «احمد بن ناچه دستی در نحو داشت. وی نحو را در کوفه خواند. در همان‌جا حدیث روایت کرد و در زمینه نحو به تصنیف پرداخت.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) جلال الدین سیوطی نیز در

بغية الوعاة وی را از نحویان می شمرد و کلام صفدی را نقل می کند. (سیوطی، ج ۱، ص ۳۹۵)  
 احمد بن ناقه در موضوع نحو کتابی با نام المسائل الکوفیة للمتأدبة الکرخیة نوشته که  
 در آن ده مسأله را به طور معمّاگونه مطرح کرد و سپس به شرح آن پرداخت.  
**مشایخ و استادان احمد بن ناقه**

۱. ابو محمّد الحسن بن علی بن عبدالعزیز التککی (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)
۲. ابوالقاسم علی بن الحسین الربعی المعروف بابن عربیة (ابن نقطه، باب عربیة).
۳. علی بن محمّد بن مسورة. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)
۴. محمّد بن عبدالباقی بن مجالد البجلی. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)
۵. ابوالغنائم محمّد بن علی بن میمون النرسی، معروف به ابی النرسی. وی بزرگترین استادان احمد بن ناقه بود. احمد بن ناقه ملازم وی بود؛ به طوری که استفاده بسیاری از وی کرد. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴)
۶. ابوالبقاء المعمر بن محمّد بن علی الحبال. (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)
۷. هبّة الله بن أحمد الموصلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ سماعی، ج ۵، ص ۲۹۶)

پدرش، یحیی بن احمد بن زید بن ناقه المسیلی. (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

### راویان از احمد بن ناقه

۱. ثابت بن مشرف بن ابی سعد البناء ابوسعید بن شستان. (ابن الدیبی، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۵۲-۱۵۳)
۲. الحسن بن الدربی. (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۲-۱۱۳)
۳. ابوالفرج عبدالرحمن بن شجاع بن الحسن بن الفضل الفقیه الحنفی البغدادی. (صفدی، ج ۱۸، ص ۹۰)
۴. عبدالرشید بن محمّد بن عبدالرشید بن ناصر ابو محمّد الصوفی. (ابن الدیبی، ص ۲۷۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۶۴)

۵. عبدالسلام بن العالم الفاضل عبدالله احمد بن بکران. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۳۱۹)
۶. عبدالله بن جعفر بن هبة الله بن محمد بن عبدالله الشریف. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ ابن الدیبی، ص ۲۱۴)
۷. عبدالمحمود بن احمد بن علی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۴۳)
۸. ابوالقاسم علی بن محمد بن الحسن بن الطیب الزهری الکوفی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۳۰۹؛ ابن الدیبی، ص ۳۰۵؛ ابن نقطه، ج ۴، ص ۴۶۸ حرف فاء)
۹. غیداق بن جعفر الدیلمی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۲۵)
۱۰. پسرش، ابومنصور محمد بن احمد بن یحیی بن ناقه المسلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۲، ص ۱۴۲؛ ابن الدیبی، ص ۱۱)
۱۱. محمد بن هبة الله بن الحسین بن جزنا ابومنصور التمیمی الکوفی. (صفدی، ج ۵، ص ۱۰۱)
۱۲. مختص بن عبدالله الحبشی ابوالعز الخادم مولی القاضی ابی جعفر. (ابن الدیبی، ص ۲۵۳؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۴۶۳-۴۶۴)
۱۳. ابوسعد السمعی؛ صاحب کتاب الأنساب. (سمعی، ج ۵، ص ۲۹۶)
۱۴. مسمار بن العویس. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶-۲۱۷)
۱۵. نصرالله بن محمد بن الحسین الحائری بنو منصور الکوفی، معروف به ابن مدلل. (ابن الدیبی، ص ۳۵۵؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶-۲۱۷)
۱۶. ابوالحسن بن المقیر. وهو آخر من روى عنه بالإجازة. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)

### آثار احمد بن ناقه

۱. «کتاب الوصیة». علامه مجلسی طریق حسن بن الدربی برای این کتاب را چنین شرح می دهد: «کتاب الوصیة تصنیف احمد بن یحیی ناقه کوفی است که حسن بن دربی آن را از سید ضیاء از مؤلف روایت می کند.» (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۳)
۲. «کتاب الحذف و الاضمار». سید ابن طاووس از این کتاب در سعد السعود مطالبی

ذکر می‌کند و فصلی را به مطالب این کتاب اختصاص می‌دهد. سعدالسعود از جزء دوم این کتاب مطالبی پیرامون حذف و اضممار و تفسیر «و كذلك بعثناهم» (کَهِف (۱۸) / ۱۹) در داستان اصحاب کَهِف ذکر می‌نماید. (ابن طاووس، سعدالسعود، ص ۲۲۸؛ اتان کلبی، ص ۲۸۴)

۳. «المسائل الكوفية للمتأدبة الكرخية». این کتاب مشتمل بر ۱۰ مسئله است به نحو معماگونه که به شرح آنها نیز می‌پردازد. (اسماعیل پاشا، ج ۱، ص ۶۶ عمر کحالة، ج ۲، ص ۱۹۹)

۴. «الامثال في الحديث». ابوسعید السمعی این کتاب را از تألیفات احمد بن ناقه ذکر می‌نماید.

۵. مستدرک نهج البلاغه. از این کتاب سه نسخه خطی بر جا مانده است که ملحق به نسخه‌های خطی نهج البلاغه است.

#### مستدرک احمد بن ناقه

مستدرک احمد بن ناقه از جمله کتابهایی است که اهمیت آن با مراجعه و خواندن آن آشکار می‌گردد، چنان‌که مستدرک بودن این کتاب بر نهج البلاغه و دارا بودن روایات که در نهج البلاغه نیست، جلوه‌ای دیگر از اهمیت آن می‌باشد.

نخستین روایتی که احمد بن ناقه در این کتاب ذکر می‌کند خطبه الدرّة الیتمیة در موضوع توحید می‌باشد. این خطبه که از امام علی علیه السلام صادر شده، در هیچ مصدری از مصادر حدیثی موجود به نحو کامل ذکر نشده است. علامه طهرانی در الذریعة به این مطلب اشاره می‌کند. همچنین از کلام ابن شهر آشوب چنین برداشت می‌شود که این خطبه در عصر وی مشهور بوده است، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السلام چنین می‌گوید: «از خطباء علی بن ابی طالب علیه السلام است که ایشان فصیح‌ترین و خطیب‌ترین ایشان است. برای نمونه به خطبه‌هایی مانند التوحید، شفشقیة، هدایه، ملاحم، لؤلؤة، غراء، قاصعة، افتخار، أشباح، الدرّة الیتمیة و ... مراجعه کن.» (ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۲۵)

همان‌طور که گفته شد، این خطبه در هیچ یک از مصادر حدیثی موجود



نمی باشد؛ اما قسمتهای مختلفی از این خطبه در برخی از کتابها نقل شده است که بدانها اشاره می کنیم:

سَلَمی در تفسیر خود، قسمت کوتاهی از این خطبه را در ذیل آیه ﴿و لا یحیطون به علماً﴾ (طه / ۲۰ / ۱۱۰) ذکر می کند: «و کیف یدرک شیء من صفات من الجہات لا یضمنه... بل هو موجود کلّ موجود و خالق کل موصوف، جلّ و تعالی.» (سلمی، ج ۱، ص ۳۶) طبرسی در کتاب الاحتجاج قسمتی از عبارات این خطبه را نقل و به امیرالمؤمنین منسوب می کند: «و قال علیه السلام فی خطبة أخرى: دلیله آیاته، و وجوده إثباته، و معرفته توحیده... کلّ ما تصوّر فهو بخلافه.» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۵۳)

حسن بن علی سقاف در کتاب خود به نام شرح العقيدة الطحاوية قسمت دیگری از این کلمات را نقل می نماید و آن را به بعضی از علماء نسبت می دهد: «ألزم الله الخلق الحدث... هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، القريب البعيد، «الذی لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر» انتهى.. (السقاف، ص ۲۵۹ - ۲۶۰)

تحف العقول برخی از کلمات این خطبه را با اختلافاتی ذکر می نماید: «خطبته علیه السلام فی إخلاص التوحيد: إنّ أوّل عبادة الله معرفته... و لا فی المسألة عنها جواب.» (حرانی، ص ۶۱ - ۶۷)

شیخ مفید در الارشاد همین قسمت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل می کند: «أوّل عبادة الله معرفته... و بمقارنته بین الأمور المقترنة علم أن لا قرین له.» (مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۳)

روضة الواعظین نیز عبارت پایانی این خطبه را نقل می کند: «و قال أمير المؤمنين علیه السلام: بصنع الله يستدلّ عليه...» (فتال نيسابوری، ص ۲۰)

شیخ صدوق روایتی از امام رضا علیه السلام در موضوع توحيد نقل می کند که نزد مأمون عباسی ایراد شده است. متن این خطبه بسیار نزدیک و شبیه به قسمت پایانی خطبه الدرّة الیتیمه می باشد. امام رضا علیه السلام چنین فرموده است: «أوّل عبادة الله معرفته... و لا فی المسألة عنه جواب.» (صدوق، التوحيد، ص ۳۴ - ۴۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۸؛ همو، امالی، ص ۲۲ - ۲۴؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۴ - ۱۷۸؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۲۷ - ۲۳۰؛ جزائری، ج ۱، ص ۱۹۵ -

۲۰۰) این مقدار از خطبه با اختلاف اندکی در الدرّة الیتمیة دیده می‌شود؛ اما در انتهای روایت امام رضا علیه السلام قسمتی علاوه بر آنچه در الدرّة الیتمیة است وجود دارد: «ولا فی معناه تعظیم... و خسروا خسراً مبیناً و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.» در اینجا احتمال می‌رود امام رضا علیه السلام گفتار جدّ بزرگوارشان امام علی علیه السلام را نقل کرده، سپس این قسمت مذکور را که در الدرّة الیتمیة نیست، اضافه نموده است و یا اینکه این قسمت اضافه نیز از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه الدرّة الیتمیة است که در نقل راویان افتاده است.

از خطبه‌های دیگری که احمد بن نافع در این کتاب ذکر می‌کند، خطبه اقالیم می‌باشد. ابن شهر آشوب این خطبه را چنین توصیف می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اقالیم ویژگیهای هر اقلیمی را ذکر می‌کند، سپس به شرح وقایع بعد از هر ده سال می‌پردازد؛ از درگذشت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا سیصد و ده سال پس از آن و به فتح قسطنطنیه، صقالیه، اندلس، حبشه، نوبه، ترک، کرک، مل، حیسل، تاریس، صین و به دورترین شهرهای دنیا اشاره می‌کند.» خطبه اقالیم نیز نه در نهج البلاغه و نه در مستدرکات نهج البلاغه ذکر نشده است. علامه آقابزرگ طهرانی درباره این خطبه چنین می‌گوید: «خطبه اقالیم خطبه‌ای است بزرگ در ملاحم از امیرالمؤمنین علیه السلام. این خطبه را سید رضی در نهج البلاغه نیاورده، چنان‌که در هیچ یک از مستدرکهای تألیف شده در این عصر وجود ندارد.» (آقابزرگ، ج ۷، ص ۱۹۸-۱۹۹)

یادآوری می‌شود که با قرائنی که در این خطبه وجود دارد، به اتحاد خطبه اقالیم و خطبه بیانی که امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه ایراد فرموده است، پی می‌بریم؛ چرا که اصبح بن نباته در ابتدای روایت چنین می‌گوید: «کسی را حافظ‌تر از خود برای خطبه وداع که نامش خطبه اقالیم و بیان در کوفه است، نمی‌دانم.» (ابتدای خطبه اقالیم) در وجه نامگذاری این خطبه به خطبه اقالیم و خطبه بیان، می‌توان چنین گفت که این خطبه به اعتبار ذکر فتنه‌های اقلیمهای مختلف و اسما اصحاب امام زمان علیه السلام در اقالیم مختلف، به خطبه اقالیم نامیده شده و به اعتبار بیان ملاحم و فتن و علائم

ظهور به خطبه بیان نامیده شده است.

خطبه دیگری که در مستدرک احمد بن نایقه وجود دارد و در نهج البلاغه و مستدرکات دیگر نهج البلاغه یافت نمی شود، خطبه بیان است که امام علی علیه السلام آن را در بصره ایراد فرمودند. مؤلف الزام الناصب در کتاب خود خطبه بیان در بصره را از امیرالمؤمنین علیه السلام از دو نسخه نقل می کند (حائری، ج ۲، ص ۱۷۸ - ۲۳۲) که اختلافات آن با آنچه در مستدرک احمد بن نایقه است، بسیار زیاد می باشد.

وجه نامگذاری این خطبه به بیان نیز آن است که بنا بر گفته مالک اشتر این خطبه را خود امیرالمؤمنین علیه السلام به خطبه بیان نامگذاری نمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه بلیغی ایراد فرمود که آن را خطبه بیان نامید.» (ابتدای خطبه بیان) از فائده های دیگر این کتاب آن است که برای خطبه موقه که خالی از الف است، سندی ذکر شده است که در مصادر حدیثی دیگر وجود ندارد.

#### نسخه های مستدرک احمد بن نایقه

قبل از هر چیز باید به این مطلب اشاره کرد که مستدرک احمد بن نایقه به پایان سه نسخه خطی که از نهج البلاغه به جا مانده، ملحق شده است. ویژگی های این سه نسخه عبارت است از:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی که به شماره ۱۸۶۰ نگهداری می شود. این نسخه به خط نسخ در ۱۶۱ ورقه که در هر صفحه ۲۳ سطر می باشد، به کتابت در آمده است. مستدرک احمد بن نایقه ملحق به این نسخه از نهج البلاغه است و از ورقه ۱۳۵ شروع و تا ۱۶۱ به اتمام می رسد.

کاتب نسخه و مستدرک، محمد بن محمد بن حسن الطویل الصفار الحلّی است که نسخه را در شهر واسط نوشته است. بر اساس گزارش کاتب، کتابت نهج البلاغه را در روز پنجشنبه ۱۲ جمادی الآخرة سال ۷۲۹ ق به اتمام رسانده و کتابت جزء (کتاب احمد بن نایقه) را در روز چهارشنبه ۱۸ جمادی الآخرة همان سال به اتمام رسانیده است. نسخه مذکور نسخه ای است اعراب گذاری شده و متن آن کامل می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَلَّتْ عَلَى اللَّهِ  
**الخطبة المعروفة بالدرة اليتيمة**  
 من كلام الامام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب  
 صلوات الله عليه

أحمد لله حمدًا معترفًا بحجج من حجار بحجر بلسان الشاة وشاكرًا وحسن الأبيد إكرامًا الذي خلق الموت  
 والحياة والخير والشر والنفع والضر والنعيم والسكون والحركة والأزواج والنساء والنعام والركن  
 والنبين والزم ذلك كله حال الحشر إذا تقدم له لأن الذي للحياة مؤامته ظالموت بعدمة  
 والذي للحشم طهون فالعجز بلزومه والذي بالأد أو اجتماعه ونحوها منسك والذي محبة  
 وقتش يقره وقتش والذي سبق العدم وجون فالحال في اسمه جل جلاله والذي يعينه  
 عين فالصورة بلية والذي يعين بالعضا وكيف شجرة والذي يشبه به الوصف  
 طول صفته والذي له العرض من الطول ساحة والذي تجلي من الحلية صبغة والذي  
 أبعده كلبه فالعجز بصبغه والذي المشال يعنون فالعقل بصره والذي الوهم بظفر به  
 فالصبر برفقه والذي ليس من جزو أبعيد عنه جزو والذي يتفق بشئ فيه إليه فاقته  
 والذي كجتم وزن والذي دس من يحترق والذي يحترق بك والذي يذكر بذكر قوله  
 البسائر والذي بالجوف يعون فمضطر والذي بالعكر بيدك فتشغول والذي يلدنا ون  
 نحذق فاقض فبارك الله عن كل ما ذكرناه خلفه ولا بعدوا خلقه فسبحان من الجهات  
 لأنصفته والشات لا يظن والآفات لا تداوله ومضوعائه لا تقاؤه والاشارات لا تزيه  
 والأدله لا تؤدبه والتوجه لا تحكيه لم يلهن بحال ولا مانع من مال وكلا الآيات ديتة ولا  
 المايكة ملكته ولا الصقات أوجدته بل هو موجود كل وجود وظلن كما يصعب وهو جوف  
 وكاروب ومعروف من الشظم على فيه خطر بحال محسوس على بال ومن أواه محل الأذرة الأبرق من  
 صفة جوهر أذره حين من خام من أمر أذره القول ومن كان له جنس طاببه الكيف ومن قال قول الله  
 العجبر كل قائم على شئ أو بعضه وكل متبع بعضه وكل ظن عن غيره فغله من غير ما شئ من غيره  
 من غير ملاقاة وهدايات من غير إمام وكلامه من غير إصغاب ووجهه من غير حجب ومصلح من غير حش

(صفحة أول از نسخه مذکور)



يوم الخميس ستم خلق الله تعالى فيه فرعون الله وفيه اذبح الربوبية وفيه اعترفت  
الله على الحجر وفيه ابتلى النبي ايوب عليه السلام وفيه طرح يوسف في البئر وفيه  
الكنية الحوت ليونس بن ماري وفيه خلق الله الظلمة والزعمه ويوم الخميس طلب الخواص  
من الناس والاحول على الشيطان لان ابراهيم الخليل عليه السلام دخل على امرؤ زور كعبان  
في كاهن ففصا فآله وفيه خلق الله الملح والفلج وجنة الفردوس وفيه سجد الله من النار  
وفي يوم ربيع ادريس والعن اليس ويوم الجمعة يوم مبارك يوم تست كتاب في الداعيات  
وتعمل في التوابع وهو يوم الكساح وزيارة القرآن والتهجد والعبادات ما على احفظ  
وصيتي كما احفظتها من ابي جبرئيل عليه السلام وعليها من استطعت ٥

وهو امام رضا



1312  
مجلس  
مجلس  
مجلس

فتن الوصية والحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا الابرار والارباب محمد بن عبد الله  
الصابر والعز وجل  
وارادها  
هذه الوصية  
صنعتها وقرنها فاحتملها  
والطاقة وكان الفراغ منها في يوم الاربعاء من شهر ربيع الثاني  
سنة ١٢٩٠  
سنة ١٢٩٠  
سنة ١٢٩٠



١٢٩٠  
سنة ١٢٩٠  
سنة ١٢٩٠

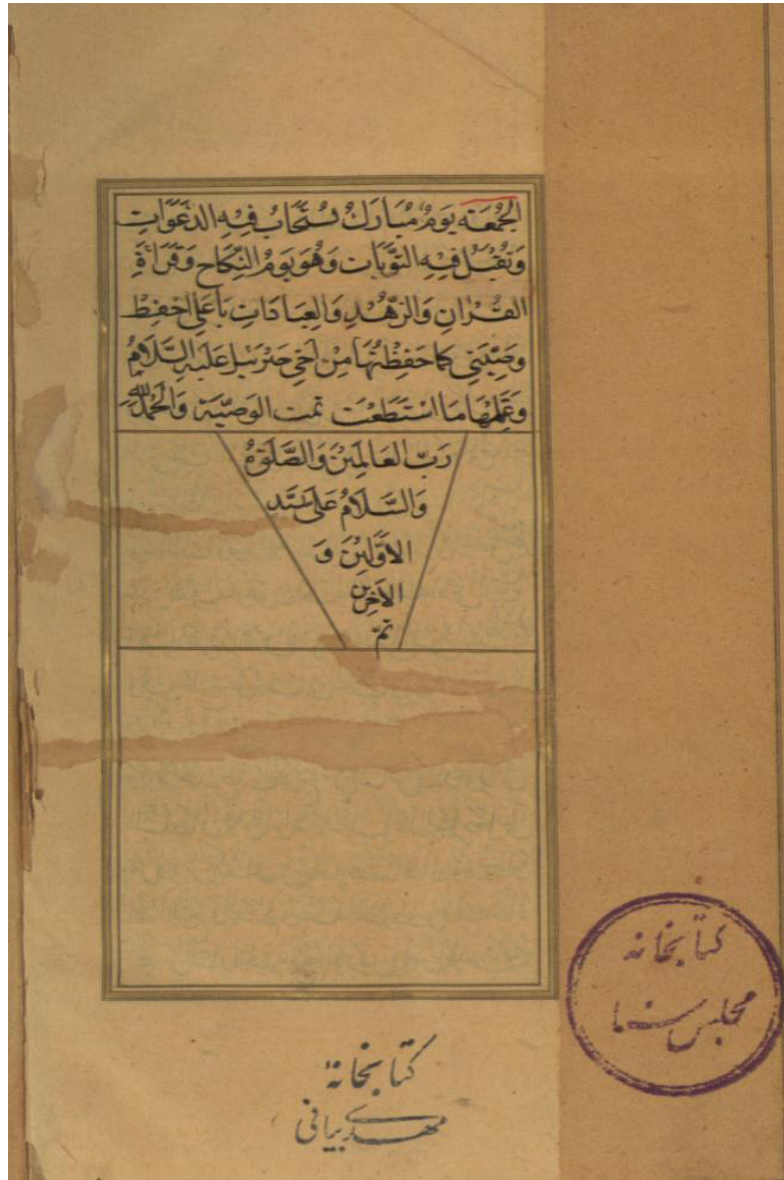
سال دهم / شماره ٣٧ / زمستان ١٣٩١ قیامه

۲. نسخه کتابخانه مجلس (سنا) در تهران. این نسخه که به شماره ۷۲۳۳ نگهداری می‌شود به خط نسخ در ۳۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک به این نسخه از نهج البلاغه ملحق است و از ورقه ۲۷۹ شروع و تا ورقه ۳۴۴ پایان می‌یابد. کاتب نسخه محمدباقر بن ابی الفتوح الحسینی الموسوی شهرستانی است که نهج البلاغه را در روز پنجشنبه شعبان ۱۰۸۶ ق به کتابت در آورده است. اما خط نهج البلاغه و خط مستدرک ملحق یکی است که در نتیجه، کاتب مستدرک همان کاتب نهج البلاغه می‌باشد. اما به تاریخ اتمام کتابت مستدرک تصریحی نکرده است. این نسخه اعراب‌گذاری شده و متن آن نیز کامل است. تصویر صفحات آغاز و پایان این نسخه را در صفحه بعد ملاحظه کنید.

۳. نسخه کتابخانه آیت الله بروجردی که به شماره ۱۵۷ نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نسخ و در ۲۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک از ورقه ۲۳۸ الی ۲۴۳ موجود است و باقی نسخه ناقص است. کاتب نسخه ذکر نشده؛ اما نهج البلاغه را از خط الشیخ الحسن بن یحیی بن کرم در ماه رمضان سال ۶۴۷ ق نوشته است. این نسخه قدیمی‌ترین نسخه‌های سه گانه، اما ناقص است؛ چراکه کل نسخه از پایین ناقص و مرطوب است و متن نهج البلاغه ترمیم و تصحیح شده؛ ولیکن مستدرک ابن ناقه به حال خود ناقص و مخروم مانده است.



«صفحة اول از نسخه مذکور»



«صفحة آخر از نسخه مذکور»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 خُطْبَةٌ مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ  
 طَالِبُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَفِي الْمَعْرُوفَةِ بِالذِّمَةِ الْبَتِيَّةِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدٌ مُعْتَرِفٌ بِمَجْدِهِ مِنْ خِيَارِ مَجْدِهِ بِلِسَانِ لِسَانِ  
 شَاكِرٍ وَالْحُسْنُ الْإِيوَانُ طَبَقَ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ  
 وَالشَّرَّ وَالنَّفْعَ وَالضَّرَّ وَالسُّخُونَ وَالْحَرَكَةَ وَالْأَجْسَامَ  
 وَالذِّعْرَ وَالنَّسِيَانَ وَالزَّمَّ ذَلِكَ كَلِمَةُ جِوَالِ الْجَدِثِ إِذْ الْفِطْرُ  
 لَهُ لِأَنَّ الَّذِي بِالْحَيَاةِ قُوَامُهُ فَا الْمَوْتُ يُعِدُّهُ وَالَّذِي بِالْجَسْمِ  
 ظُهُورُهُ فَالْعَرَضُ يَلْزَمُهُ وَالَّذِي بِالْإِدَارَةِ أَجْمَعَةِ فَقَوْلَاهَا  
 تَمْسِكُهُ وَالَّذِي بِجَمْعِهِ وَقْتُ يُفَرِّقُهُ وَقْتُ وَالَّذِي بِسَبَبِ  
 الْعَبْدِمْ وَجُودِهِ فَالْحَالِقُ أَسْمُهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَالَّذِي يُعْجِبُهُ غَيْرُهُ  
 فَالضَّرُورَةُ تَمْسِكُهُ وَالَّذِي يُنْقِصُهُ بِالْأَعْضَاءِ يُكْفِئُهُ سَخْنُهُ وَالَّذِي  
 يَلْتَسِثُ بِهِ الْوَصْفُ فَيُلْهِمُ صِفَتَهُ وَالَّذِي لَهُ الْعَرَضُ فِي الطُّوْلِ  
 مَسَاحَتُهُ وَالَّذِي يُجَالِي مِنَ الْحَلِيهِ يُصِيبُهُ وَالَّذِي الْيَصْفَةُ بِحُلْمِهِ

يد معالها منعها العدم و حمتها الارضية عن توهم جميعه الربوب  
 فلو لا ان الكلمة افرقت فدللت على مفترتها و تباينها فاعربت  
 عن مبانها لما تجلي صانها للعقول و بما اخرجت عن الرتبة و اليها  
 بحاجتها نظام الاقلام و بها از تبط الدليل بالمعقول لا ايمان الا  
 بصديق ولا نصيرين الا باقرار و لا دين و ايمان و انذار الا بعد  
 معرفة و لا معرفة الا باظهار و لا اظلال الا بتبيين مع  
 اثبات الصفات الشبيهة كل ما في العالم من غير ان يكون  
 صانها و كلما امضت فيوم حبل حاسبه بوجده و بالجدلة  
 امام و لو التمس له التمام للزمه النقص و ما يستحقه الا ان

«صفحة پایانی از نسخه مذکور»

## منابع

١. ابن اثیر جزری. اللباب فی تہذیب الأنساب. بیروت: دار صادر.
٢. ابن الندیم. الفہرست. تحقیق: رضا تجدد.
٣. ابن دبیثی. المختصر من تاریخ ابن الدبیثی. اختصره محمّدين أحمدین عثمان الذہبی. تحقیق: مصطفیٰ عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٧ ق.
٤. ابن حاتم عاملی. الدر النظیم. قم: مؤسّسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسين.
٥. ابن طاووس حلّی. سعد السعود. قم: منشورات الرضی، ١٣٦٣ ق.
٦. ابن نقطه، ابوبکر محمّدين عبدالغنی البغدادی الحنبلی. تکملة الاکمال. تحقیق: دکتر عبدالقیوم عبدالربّ النبی، مکّہ: مرکز احیاء التراث الاسلامی، ١٤٠٨ ق.
٧. ابوالبرکات محمّد بن أحمد الدمشقی الباعونی الشافعی. جواهر المطالب. تحقیق: شیخ محمّد باقر محمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة، ١٤١٥ ق.
٨. ابوالعباس أحمد بن علی بن العباس نجاشی. فہرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی). تحقیق: سیّد موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسين، ١٤١٦ ق.
٩. ابوسعید عبدالکریم بن محمّد بن منصور تمیمی سمعانی. الانساب. تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٨ ق.
١٠. ابوطاهر احمد بن محمّد السلفی. معجم السفر. تحقیق: عبدالله عمر البارودی. مکّة المکرمّة: المكتبة التجارية.
١١. آقابزرگ طهرانی. الذریعة. بیروت: دارالاضواء، بیروت: ١٤٠٣ ق.
١٢. امین، سیّد محسن. اعیان الشيعة. تحقیق و تخريج: حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٣. بغدادی، اسماعیل پاشا. هدیة العارفين، أسماء المؤلفين و آثار المصنّفين. إستانبول: ١٩٥١ م. افست بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٤. حاجی خلیفه. کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون. مقدّمة: آية الله العظمی السیّد شهاب الدین النجفی المرعشی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٥. جزائری، سیّد نعمت الله. نور البراهین او انیس الوحید فی شرح التوحید. تحقیق: سیّد مهدی رجائی مؤسّسة

النشر الاسلامى، ١٤١٧ ق.

١٦. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان. تاريخ الاسلام. تحقيق: دكتور عمر عبدالسلام تدمرى. بيروت: دارالكتاب

العربى، ١٤٠٧ ق.

١٧. — سير اعلام النبلاء. تحقيق: حسين الاسد، اشرف بر تحقيق و تخريج احاديث: شعيب الارنؤوط،

بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ ق.

١٨. سخاوى، ابوالخير محمد بن عبدالحمن. الضوء اللامع. ٩٠٢ ق.

١٩. سُلمى. تفسير السلمى. تحقيق: سيد عمران. بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢١ ق.

٢٠. صفدى. الوافى بالوفيات. تحقيق: احمد الأرنؤوط و تركى مصطفى، بيروت: دار احياء التراث العربى،

١٤٢٠ ق.

٢١. طوسى، ابوجعفر محمد بن الحسن. الفهرست. تحقيق: الشيخ جواد القيومى، مؤسسة نشر الفقاهة فى

ايران، شعبان المعظم ١٤١٧ ق.

٢٢. علامه حلى. خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال. تحقيق: الشيخ جواد القيومى، مؤسسة نشر الفقاهة فى ايران،

عيدالغدیر، ١٤١٧ ق.

٢٣. عماد الدين كاتب، محمد بن محمد. خريدة القصر و جريدة العصر. تحقيق: عمر الدسوقي و على عبد العظيم.

المجمع العلمى العراقى.

٢٤. كخالة، عمر رضا. معجم المؤلفين. بيروت: مكتبة المثنى و دار إحياء التراث العربى.

٢٥. كلبرگ، إتان. كتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او (فارسى). ترجمه: سيد على قرائى و رسول جعفریان،

قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ١٣٧١ ش.

٢٦. مجلسى، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام. بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣

ق.